

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۳۰ اگست ۲۰۲۴



یونس نگاه

دین ستیزی

حاکمیت طالبان بین اقلیتی از درس خوانده‌ها افراط دین ستیزی را داغ‌تر کرده است. گروهی از روشنفکران دین را نقد می‌کنند. آنان با آرامش، تحقیق کرده و بدون دست‌زدن به شعله‌های عواطف مذهبی مردم باورهای خود را می‌گویند و می‌نویسند. آنان قابل احترامند و دین باید نقد شود، به خصوص وقتی مثل امروز در افغانستان، ابزار انتحار و غارت و تبعیض می‌شود.

دین ستیزی اما انعکاس بی‌ثباتی روانی افراد است، نه نتیجه آگاهی یا عمل آگاهی‌بخش. دین ستیزی حکایت از تسلیم فرد در کار مبارزه دارد. مبارزه‌ای که حوصله، کار و قربانی بسیار می‌خواهد. دین ستیزان روی دیگر تروریستان مذهبی اند. آنان هم از کله نه بلکه از احساسات استفاده می‌کنند. دشنام می‌دهند، اخ دل خود را خالی می‌کنند و اگر روزی نیروئی در اختیار داشته باشند احتمالاً دست به کشتار و انفجار و انتحار هم خواهند زد.

منتقدان روشنگر، دین را پدیده اجتماعی-تاریخی می‌دانند و به این باورند که دین محصول وضعیت اجتماعی، اقتصادی و تاریخی جوامع است. اگر محیط تغییر نکند و آدم‌ها از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متحول نشوند، باورهای آنان را با دشنام و انفجار و جنگ نمی‌توانیم تغییر دهیم.

دین ستیزان مثل تروریستان مذهبی مریض اند. آنان قادر به درک پیچیدگی‌های سیاست و جامعه نیستند و از این‌رو خستگی ذهنی و ناتوانی سیاسی خود را با خشم و نفرت بیان می‌کنند.

منتقدان دین، حتی اگر به دین باور ندارند، می‌دانند که جامعه باید از درون متحول شود و اگر خود را با توده متعصب مذهبی درگیر کنید، دیگر از میدان مذاکره و تماس با مردم حذف می‌شوید و نمی‌توانید نقشی ادا کنید. آنان می‌گویند دین بخشی از واقعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه ماست، و مثل لباس کهنه، چهره چروکیده، زبان الکن و ذهنیت‌های عقب‌مانده مردم بخشی از حیات آنان است. همان‌طوری که یک‌شبه نمی‌توانید مردم را وادار کنید لباس‌های کهنه خود را آتش بزنند، بی‌آن که لباس تازه و اندازه قد و مطابق سلیقه و نیاز آنان تهیه کنید، دین را نیز

نمی‌توانید از زندگی آنان با دشنام و تروریزم بکنید و نابود کنید. می‌گویید همان‌طوری که چهره چروکیده مردم‌تان بدون ایجاد شرایط اقتصادی بهتر با دشنام درخشان و تازه نمی‌شود، باورهای دینی چروکیده را هم نمی‌توانید از زندگی آنان بدون تغییر در محیط اقتصادی و فرهنگی اصلاح کنید. می‌گویید همان‌طوری که چهره چروکیده مردم زجرکشیده شما بوسیدنی است و شما تحصیل‌کردگان موظفید همدردی خود را با آن‌همه انسان محروم حفظ کنید، به باورهای چروکیده‌شان نیز باید احترام داشته باشید. نه به دلیل حقانیت آن چروکیدگی، بلکه به خاطر حفظ تماس با آن انسان‌های مظلوم و دربند، و برای کار و مبارزه دوام‌دار.

مبارز آگاه رابطه با مردم را مهم‌ترین سرمایه خود می‌داند. ستیزه‌جویان مذهبی و غیرمذهبی عاشق باورهای خودند و مردم را به‌خاطر آن باورها اذیت‌کردنی، دشنام‌دانی و کشتنی می‌پندارند.

ستیزه‌جویان مذهبی و غیرمذهبی همه بی‌ریشه‌اند. تصور نکنید که تروریستان طالب میان مردم ریشه دارند. آنان چرک و چتلی جامعه‌اند که در نتیجه پول‌ها، مدارس و تسلیحات استخباراتی پندیده‌اند. ستیزه‌جویان ضد دین هم اگر اسلحه و پول به دست آورند می‌توانند از میان گرسنگان ده‌ها هزار جنگجو استخدام و کشور را "فتح" کنند. اما این دو گروه آدم‌ها ثبات و آرامش و رفاه به کشور آورده نمی‌توانند. این دو گروه به نجات مردم کمک نمی‌توانند. آنان پرخچه‌های سوزنده تنور پر از بحران وطن ما اند: داغ، تند ولی سطحی و گذرا.